



نام های کهن و باستانی استان خوزستان

۴۰۰۰ سال زبان و فرهنگ و شهرسانی

پیش از هخامنشیان

مصطفی پاشنگ

به کوشش دکتر ضیالالدین هاجری

نامه‌های کهن و باستانی

استان خوزستان

نویسنده: مصطفی پاشنگ

سرشناسه	: پاشنگ، مصطفی، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: نامهای کهن و باستانی استان خوزستان / نویسنده مصطفی پاشنگ.
مشخصات نشر	: تهران: مصطفی پاشنگ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۰۰-۱۲۱۱-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: نامهای جغرافیایی -- ایران -- خوزستان
موضوع	: Names, Geographical -- Iran -- khuzestan
موضوع	: خوزستان -- تاریخ
موضوع	: Khuzestan (Iran: Province) -- History
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ پ۲ و ۲۰۱۷/ DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۵۸۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۴۴۱۱۸

عنوان: نامهای کهن و باستانی استان خوزستان

نویسنده: مصطفی پاشنگ

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۰-۱۲۱۱-۵

ناشر: مولف

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

آوانگاری

پارسی	نماد لاتین	مانند به پارسی	مانند به لاتین
اَ	ā	آسان	āsān
اِ	a	آندام	andām
اُ	o	استاد	ostād
او	u	اورمز	urmaz
اِ	e	امسال	emsāl
ای	i	مهی	mahi
ب	b	باران	bārān
پ	p	پسر	pesar
ت	t	توان	tavān
ج	j	چان	jān
چ	č	چربی	čar by
خ	x	تخت	taxt
د	d	داد	dād
ر	r	راد	rād
ز	z	زنگ	zang
ژ	ž	ژاژ	žāž
س	s	سر	sar
ش	š	شب	šab
غ	γ	غرنگ	γarang
ف	f	فوت	fut
ک	k	کام	kām
گ	g	گرم	garm
ل	l	لاک	Lāk
م	m	مار	mār
ن	n	نام	nām
و	v	وَر	var
وُ	w	وُم	vwm
هـ	h	هاگ	hāg
ی	y	یاد	yād

فهرست مطالب

آغاز	۹
کتاب نخست: نامهای کهن و باستانی استان خوزستان	۱۳
فرگرد یکم: خوزستان	۱۵
بخش یکم: دانش باستان‌شناسی	۲۲
بخش دوم: مردم‌شناسی زبان و فرهنگ	۲۶
بخش سوم: نامهای پادشاهان کشور ایران	۲۹
بخش چهارم: فروپاشی کشور ایران	۴۸
بخش پنجم: پهناوری کشور ایران	۴۹
فرگرد دوم: زبان	۵۲
بخش یکم: غارنشینی	۵۴
بخش دوم: کوچ‌نشینی و یکجانشینی	۵۷
فرگرد سوم: زبان پارسی از آغاز تا کنون	۶۸
فرگرد چهارم: زبان در سرزمین کهن ایران از هزاره‌ی پنجم تا نیمه‌ی هزاره‌ی یکم (پ.م.)	۸۰
بخش یکم: نامهای پادشاهان ایران	۸۱
بخش دوم: خدایان ایران	۹۱
فرگرد پنجم	۹۷
بخش یکم: آیین مهر و زبان پارسی در کشور ایران	۹۷
فرگرد ششم: دگرگونی در زبان پارسی و نامهای باستانی در درازای زمان	۱۱۰
فرگرد هفتم: شهرها و روستاهای ویران در گذر زمان	۱۲۶
فرگرد هشتم: برخ نامهای کلیدی و راهگشا	۱۲۹

۱۲۹.....	بخش یکم: چغازنبیل
۱۳۵.....	بخش دوم: ارگان
۱۴۲.....	بخش سوم: آساک (مسجد سلیمان)
۱۴۳.....	بخش چهارم: اندیکا
۱۴۴.....	بخش پنجم
۱۴۸.....	دره‌ی سوسن
۱۶۷.....	کتاب دوم: نامهای کهن و باستانی استان خوزستان
۳۰۵.....	بخش یکم - شهرستان آساک (مسجد سلیمان)
۳۳۱.....	بخش دوم - شهرستان اهواز
۳۴۸.....	بخش سوم - شهرستان ایذه
۳۶۸.....	بخش چهارم - شهرستان باغ ملک
۳۷۷.....	بخش پنجم - شهرستان بهبهان
۳۸۷.....	بخش ششم - شهرستان خرمشهر
۳۹۰.....	بخش هفتم - شهرستان دزپل (دزفول)
۴۲۷.....	بخش هشتم - شهرستان رامهرمز
۴۳۸.....	بخش نهم - شهرستان سوسنگرد
۴۴۳.....	بخش دهم - شهرستان شادگان
۴۴۷.....	بخش یازدهم - شهرستان شوش
۴۵۷.....	بخش دوازدهم - شهرستان شوشتر
۴۷۱.....	بخش سیزدهم - شهرستان گتوند
۴۷۷.....	بخش چهاردهم - شهرستان لاری
۴۸۱.....	بخش پانزدهم - شهرستان ماهشهر (بندر ماهشهر)
۴۸۳.....	بخش شانزدهم - شهرستان هندیگان (هندیجان)

آغاز

سالیانی است که با بزرگمردی، از راه کتابهای ارزشمندش همچون: «زیبا نامهای ایرانی، زیبا نامهای آریایی، فرهنگ پارسی پاشنگ، چندین کتاب داستان به سراسر پارسی و ...» به نام استاد **مصطفی پاشنگ** آشنا شدم و این آشنایی بیست ساله پایه و بُنلاد دوستی و همکاری و رفت آمد خانوادگی ما گردید.

در سال ۱۳۷۷ در اراک با یکدیگر پیمان بستیم که من فرهنگ ساختاری واژگان پارسی را بنویسیم و ایشان هم فرهنگ ریشه‌یابی زبان پارسی را فراهم نمایند. هر دو بر سر پیمانمان سخت ایستادیم و این دو کار آماده شد و به چاپ رسید.

روزی استاد پاشنگ فرمودند که ما این دو کار را انجام دادیم. اکنون نکته-یی دیگر بسختی اندیشه و پندار مرا به خود سرگرم کرده است و آن نامهای کهن و باستانی (جایگاهها، دره‌ها، شهرها، کوهها و ...) است. پاسخ دادم: خوب چرا این کار را آغاز نمیکنی؟

در کوتاه زمانی، استاد پاشنگ دست‌نوشته‌هایی را برای من آورد. همگی آنها را خواندم و دیدگاههای خود را به ایشان یادآور شدم. بزودی ایشان برنامه‌یی را فراهم کردند و دوباره میان ما دوتن، پیمانی تازه بسته شد. آری، این بار برنامه چیزی دیگر بود! نخست نامهای باستانی استان میانه (مرکزی) در ۶۲۱ رویه در

سال ۱۳۹۴ فراهم شد. پس از نامهای باستانی استان تهران در ۴۱۴ رویه در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسید.

استاد پاشنگ سرگرم فراهم کردن نامهای یکی دیگر از استانهای ایران بود که دیدار من در استان خوزستان با بزرگمردانی کاردان و وارسته و میهن-دوست مایه‌ی آن شد که برای فراهم کردن نامهای کهن و باستانی استان خوزستان برنامه‌ی کار فراهم گردد.

در دیداری که در شهریور سال ۱۳۹۶، در تهران، در دفتر انجمن پاسداری و پالایش زبان پارسی، با استاد گرانمایه سرور گرامی محمدرضا پیرزای خبازی انجام گرفت؛ به درخواست ایشان و دیگر یاران و همکارانشان، استاد پاشنگ با این گرو که پیشینه‌ی «ایرام کهن» را گزارش نمایند، پذیرفتند که این کار برآستی سخت و دشوار را انجام دهند.

استاد پاشنگ چندین بار کار را بررسی و برنامه‌ریزی کردند و هر بار نمونه‌های فراهم شده را آوردند. پس از دیدن و خواندن و بررسی و گفت‌وگوهای بایسته، آن-گاه دیدگاهها و نوشته‌های خویش را به ایشان پیشکش می‌کردم.

در روزهای ۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۷ که در سرای فردوسی - در دهستان لنگور (لُنگُر) که ویژگیها و نام درست آن را در بخش دوزادهم کتاب دوم، شهرستان شوشتر خواهید دید میهمان استاد خبازی بودم، در این زمینه سخنرانی کردم. شور و انگیزه‌ی باشندگان در گرده‌ماییهای گوناگون بر

این بود که هر چه زودتر کتاب «نامهای کهن و باستانی استان خوزستان» چاپ گردد و در دسترس دوستداران ایرام کهن و شیفتگان نامهای کهن و باستانی استان خوزستان و دیگر مردم ایران زمین نهاده شود.

اکنون خداوند یکتا را سپاسگزارم که به خواست و یاری او این کار سترگ پایان یافته است و می‌تواند بسیار از رازها، دشواریها، کژتابیها و نایافته‌های نامهای کهن و باستانی ایرام کهن و استان خوزستان را روشن سازد تا مردم این استان و سراسر ایران زمین با نامهای زیبا و ارزشمند خود بدرستی آشنا گردند.

فرآمد سخن این که نخست از مردم فرهنگ دوست کهن سرزمین خوزستان که برآستی پیوسته مایه‌ی سرافرازی ایران زمین بوده و هستند ارزدانی و از استاد پاشنگ که برای فراهم کردن چنین کتابی ارزمند کوشیده‌اند و رنج فراوان برده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم و برای ایشان و خانواده بزرگوارشان از آفریدگار جهان دیرزیوی همراه با تندرستی آرزو می‌نمایم.

ضیاءالدین هاجری

پنجشنبه مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

ایران، تهران، جنت آباد مرکزی

کتاب نخست

نامهای کهن

و

باستانی استان خوزستان

فرگرد یکم: خوزستان

خوزستان نامی است که پس از چند هزار سال شهرسانی (تمدن) مردم آن سرزمین، بر آن استان گذاشته شده است. نام گذشته و باستانی آن سرزمین «ایرام» است که بنادرست «ایلام» یا «عیلام» نامیده شده است. شوربختانه، پس از گذشت زمان، این نام (ایلام)، بر استانی دیگر گذاشته شد و مردم ایران، آن سرزمین را (عیلام) و سپس ایلام نامیده‌اند.

پیش از هر سخن، شایسته است که نام درست آن سرزمین گزارش شود، زیرا کشور پهناور «ایرام» که سرزمینهای فراوان از ایران کنونی جزو آن کشور بوده است، گزارش‌کننده‌ی نزدیک به ۴۰۰۰ سال فرهنگ و شهرسانی مردم ایران، پیش از دودمان هخامنشیان است که در این کتاب به چگونگی آن پرداخته می‌شود. اکنون بایسته است که نخست برای روشن شدن بُن سخن، واژه‌ی «ایرام»^۱ ریشه‌یابی شود.

در دوران باستان هم‌ریشه‌ی نام ایرام، یا از تَکواژ ریشه‌یی و آریایی ایر (eir) نامهای فراوان ساخته شد و بر شهرها و روستاها و کوههای ایران گذاشته شده است. برای درستی و استواری سخن، شماری اندک، از آن نامها را یادآور می‌شویم.

یکم) **ایروان**: نگهبان روشنایی. نام یکی از شهرهای بزرگ و باستانی ایران بوده است که در روزگار قاجار به روسیه واگذار شد و اکنون یکی از شهرهای بزرگ ارمنستان است. دوم) **ایر (eir)**: نام کوهی، در نزدیکی دهستان مازو، در بخش الوار گرمسیری (اروار

۱- **ایرام**: (ایر + رام). ایر: برابر با تَکواژ ریشه‌یی و آریایی ایر (eir): روشنایی، درخشانی + رام: از تَکواژ هسته‌یی و آریایی رَم (ram): آرامش، آسایش. ایرام: آرامش‌دهنده‌ی درخشان.

گرمسیری)، از شهرستان اندیمشک، در استان خوزستان. (ف - ج - ک - ک)¹.

سوم) **ایر**: نام کوهی، در نزدیکی دهستان فشک، از شهرستان فرمهین، در استان میانه (مرکزی).

چهارم) **ایرین**: (جایگاه درخشان). نام روستایی، در نزدیکی نسیم شهر، در استان تهران.

پنجم) **ایرا**: نام روستایی، از لواسان بزرگ، در استان تهران.

ششم) **ایر**: نام روستایی، از بخش خنجین، از شهرستان کُمیگان، در استان میانه (مرکزی).

هفتم) **ایرگاید**: (جایگاه درخشان هستی). نام روستایی، از دهستان ارویر (نادرست آن الویر)، از شهرستان ساوه، در استان میانه (مرکزی).

و بسیار نامهای دیگر...

اکنون شایسته است که نام «ایلام» نیز ریشه‌یابی شود.

عیلام: تازی شده‌ی نام «ایلا» است که با واک (ع) دگرگون شده است، یا به دیگر گفته «ا» به «ع» دگرش یافته است.

ایلا: آسایش زندگی، زندگی بخش، شادی بخش، روان زندگی، سخن آسمانی، برابر با واژه‌ی سانسکریت ایلا (ilā). این واژه در فرهنگ سانسکریت - فارسی ایلا=ایدا. نام دختر مانو همسر بودا و مادر پورو است.

در افسانه‌های هندی، نام دختر میترا و وارونا است.

در آیین مهر، میترا و وارونا نام دو ستاره از هفت اختر است.

در نمادهای هفتگانه‌ی مهری.

میترا: نماد پیمان و مهر و دوستی.

وارونا: نماد راستی و درستی.

در آیین مهر، ناهید فرزند میترا و وارونا است و ناهید را نماد مهر و دوستی و پیمان و راستی و درستی می‌دانند؛ و هزاران پرستشگاه و پل و دژ به نام ناهید، میترا و مادر و دختر ساخته شده است. مانند پل دختر: نام شهری از استان لرستان (در بخشهای دیگر به آن پرداخته خواهد شد).

از سوی دیگر، استان ایلام کنونی یکی از بخشهای ایرام کهن بوده است که در پهناوری و گستره‌ی کشور ایرام، بسیار گسترده به آن پرداخته خواهد شد. چون زمینه‌ی سخن ما در این کتاب، نامهای باستانی استان خوزستان و نامهای باستانی شهرها و روستاها و کوهها و سرزمینهای دوران کهن و باستانی این سرزمین است و از آن جا که استان خوزستان، در دوران کهن، تنها بخشی از سرزمین یا کشور ایرام نامیده می‌شود؛ ناگزیر گستره‌ی پژوهش گهگاه استانهای دیگر ایران را نیز در بر گرفته و بر سختی و دشواری کار می‌افزاید، زیرا شهر شوش نزدیک به ۵۰۰۰ سال پایتخت کشور ایرام بوده است و یکی از جایگاههای بزرگ بازارگانی و داد و ستد در جهان باستان نامیده می‌شده است. بی‌گمان، کشور ایرام، در آن دوران چند هزار ساله، فراز و نشیب فراوان داشته و روزگاران دراز جایگاه هنر و فرهنگ و نیایشگاههای آیینهای مردم دوران کهن نامیده می‌شده است. خوشبختانه، در زمینه‌ی استان خوزستان، پژوهش فراوان انجام شده، کتابهایی با ارزش و گرانبها، نوشته شده است.

می‌توانید نام آنها را در کتاب‌نامه یا یاری‌نامه ببینید.^۱

اما زمینه‌ی سخن ما، در این کتاب بیشتر تکیه بر دستاوردهای باستان‌شناسان و گرایشی زبان‌شناسانه دارد.

بی‌گمان، نیازمند آن بوده است که در آن استان و سرزمینهایی که در دوران کهن، جزو فرمانروایی ایرام بوده است، پژوهشی میدانی و ژرف‌نگر انجام شود. بویژه در زمینه‌ی نامه‌های باستانی ایرام باستان که اکنون هم، از آن روزگاران تاکنون، پایدار و جاوید مانده است. آن هم، نامه‌های شهرها و روستاها و کوهها و سرزمینهایی که اکنون گروه فراوان از آن نامها دگرگون شده، یا برداشته شده است و نامی تازی جایگزین آن گردیده است.

برای رسیدن به این خواست و کامه، ما نیازمند آگاهیهای زیر بودیم:

- از چه روزگارانی آن سرزمین به نام کشور ایرام نامیده شده است؟
- چه پادشاهانی در آن سرزمین فرمان رانده‌اند؟
- پهناوری کشور ایرام چه بوده است؟
- آیین مردم کشور ایرام چه بوده است؟
- چه سرزمینهایی از ایران بزرگ، جزو سرزمین ایرام باستان بوده است؟
- زبان مردم ایرام چه بوده است؟
- و دهها پرسش دیگر...

۱- الف) خوزستان و کهگیلویه و ممسنی. نوشته‌ی احمد اقتداری. چاپ سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹.

ب) تاریخ جغرافیایی خوزستان، نوشته‌ی سید محمد علی امام شوشتری، چاپ ۱۳۳۱، تهران.

پ) و دهها کتاب دیگر که نامشان در کتاب‌نامه‌ی پایان این کتاب خواهد آمد، زیرا آن کتابها هر کدام جداگانه آگاهی‌دهنده‌اند و گنجینه‌هایی گرانبایند.

برای دست یافتن به پاسخ این پرسشها، تنها راه، تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی بود که خوش‌بختانه در کاوشهای هفت تپه‌ی خوزستان، در روزگار هشتاد سال کار پیوار، بنسالتها و مانداکهایی به دست آمد که نزدیک به چهار هزار سال فرهنگ مردم ایران زمین را که در پشت گُمان و گمانه‌ها چون راز پنهان مانده بود، آشکار کرده است؛ و دستاورد این کاوشها را دانشمند گرامی، روان شاد دکتر عزت‌الله نگهبان در کتاب حفاری هفت تپه دشت خوزستان، انتشارات علمی فرهنگی سال ۱۳۷۲ به چاپ رساندند. جز آن کتاب، کتابهایی دیگر چون نقوش برجسته‌ی ایلامی از دکتر محمد رحیم صراف و سالنامه، یا ماهنامه‌های اثر و کتابهای دیگر که در زمینه‌ی یافته‌های باستان‌شناسی نوشته و آنچه نوشته‌اند هم اکنون در بُنسالگاها (موزه‌ها) چشم‌نواز است، زمینه و بُنلاد سخن در این کتاب است. همچنین گفته شد که این کتاب گرایشی زبان‌شناسانه دارد، زیرا باور بر این است که هر زبان، گزارشگر فرهنگی است که در دامن آن پرورش یافته است؛ و زبان پارسی هم در درازای این زمان چند هزار ساله، گزارشگر فرهنگ مردم ایران بوده است. می‌خواهیم بدانیم که از آن زبانِ کهن یا زبان کشور «ایرام» که دستِ کم دیرینگی پنج هزار سال پیش از هخامنشیان را دارا بوده، چه اندامهای زبانی، از آن روزگاران، در زبان پارسی امروز به جای مانده است. ناگفته نماند که «زبان پارسی» را گفته‌ام نه «زبان فارسی» کنونی را که دستِ کم ۵۵٪ از واژگان آن سرکوب و دست‌نشانده‌ی زبان تازی شده است!

ناگفته نماند، خوش‌بختانه مردم امروز ایران، بیشترشان دانش اندوخته‌اند و از هوشی سرشار برخوردارند و نباید خرد آن هوشمندان را نادیده گرفت و نوشته‌ی بی‌دبیزه و گواه،

بویژه در کتاب پایه گزارش کرد. بی‌گمان، هر نوشته نیازمند دبیزه‌یی استوار است تا آن نوشته را گواهی کند. از سویی جای اندوه است که در بسیار از نوشته‌ها، درباره‌ی ایران و ایران باستان، با داستان‌سرایی و افسانه و سرگذشت و بزرگ‌نمایی شاهان و افسانه‌سازی در لشکرکشی‌ها و کشت و کشتارها و پهلوان‌نمایی‌ها رو به رو می‌شویم. آن سان که در چند نوشته (که از نامبر کردن آن پرهیز می‌شود) پادشاهی با شاهی جنگیده که زادروز آن شاهان با یکدیگر بیش از هزار سال واجدایی دارد و یا پس و پیش است؛ و شگفت‌آورتر این که همان نوشته در چند و چندین کتاب پیوار شده است و یا این که کشت و کشتار و آتش زدن و ویران کردن لشکری خونخوار و ویرانگر در پشت گرایشهای یکسوگرایانه نادیده گرفته شده است و به شمار دلاوری و پهلوانی درآمده است. این گونه نوشته‌ها از یک سو خرد خواننده را نادیده گرفته است و از سویی آنچه را که بوده در پشت این نارساییها فروتار^۱ کرده است؛ و سرانجام پس از گذشت زمان چنان شده است که کتابخوانی نیست و کتابها به گردِ زمان سپرده شده است؛ بویژه که کارنامه‌ی دست اندرکاران فرهنگی، در دهه‌های کنونی، بسیار تیره و تار است و نویسندگان و پژوهشگر ناامید است و بی‌پناه و امیدی ندارد که آنچه را می‌نویسد خواننده می‌شود یا نه!

اما با همه‌ی نارساییها و ناامیدیها، نگارنده ناگزیر به نوشتن است و این کتاب با تکیه بر دانشهای زیر نوشته می‌شود:

- دانش باستان‌شناسی.
- دانش زبان‌شناسی که دستاورد آن تکواژهای هسته‌یی و ریشه‌یی زبان پارسی و

انگارش زبان پارسی (ریاضی و زبان) است.

به این دیدگاه در کتاب «کلید شناخت زبان پارسی» و «نامهای باستانی استان میانه» (مرکزی) و «نامهای باستانی استان تهران» و «فرهنگ سه پوشنهی ریشه‌ی زبان پارسی» برسانی پرداخته شده است.

- پژوهش میدانی در زمینه‌ی نامهای باستانی سرزمینهایی که پیش از هخامنشیان جزو کشور ایران بوده‌اند.

بخش یکم: دانش باستان‌شناسی

در کتاب حفاری هفت تپه دشت خوزستان (نوشته‌ی دکتر عزت الله نگهبان) رویه ۴۵۷ آمده است:

«بررسی آثار باستانی به دست آمده در مناطق دنیای باستان و هم چنین شواهد دیگری که در زمینه‌ی باستان‌شناسی زبان و خط، هنر و صنایع، عقاید، افکار و سایر موارد علاوه بر مدارک تاریخی وجود دارد بیانگر نکاتی است که با تکیه بر آنها شاید بتواند در این مورد اطلاعات بیشتری جمع‌آوری نمود.»

«همانطور که قبلاً اشاره رفت دشت خوزستان در دورانه‌ی پیش از تاریخ و آغاز تاریخی قبل از آنکه وارد مراحل دوران تاریخی خود یعنی تاریخ ایلام گردد موطن و مرکز اقوام پیش از تاریخ بوده است. شواهد باستان‌شناسی حفاری شده در این دشت وسیع بیانگر این مطلب است که این دشت در حدود شاید ده هزار سال پیش مراحل دوران خانه بدوشی و نحوه‌ی زندگی جمع‌آوری غذا را پشت سر گذارده و وارد مرز کشاورزی و تولید غذا با نتیجه استقرارهای اولیه کشاورزی گردیده است و...».

در همان رویه آمده است:

«فقط اشاره بدین نکته که اقوام مسکون در این منطقه در رهگذر پیشرفت تمدن خود در دورانه‌ی پیش از تاریخ وارد دورانی گردیدند که در اصطلاح باستان‌شناسی به نام **تمدن سفال نخودی رنگ** مشهور گردیده و به علت نزدیکی و ارتباط این دوران که بلافاصله قبل از دورانه‌ی آغاز تاریخی و تاریخی تمدن ایلام قرار گرفته است و به همین لحاظ اثرات مستقیمی در تمدن ایلام داشته اشاره‌ی بدان ضروری به نظر می‌رسد:

آثار باقی مانده در دشت خوزستان نشان می‌دهد که تمدن سفال نخودی رنگ در نیمه دوم هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد در هنر صنایع و معماری پیشرفت چشم‌گیری نموده و شعاع و گسترش این تمدن از مرزهای این منطقه خارج و اثرات این تمدن به خصوص هنر سفالسازی آن که امروزه به نام سفال نخودی رنگ مشهور می‌باشد از سواحل شرقی دریای مدیترانه تا دره‌ی رود سند مشاهده می‌گردد و روابط نزدیک تمام پهنه دنیای باستان را بهر حال از نظر هنری در حدود اواخر هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد مسلم می‌سازد.

«اجتماعات مستقر در دشت خوزستان در این هنگام دورانهای استقرارهای اولیه کشاورزی را پشت سر گذارده و به خصوص در مراکز بزرگتر مانند شوش به علت وجود ساختمانهای عام المنفعه از قبیل معابد وارد دوران شهرنشینی گردیده است و...»

اگرچه گستره‌ی سخن کمی به درازا کشیده است، اما چون دبیزه‌ها و گواه بر درستی گفته‌های این کتاب بر پایه‌ی یافته‌های باستان‌شناسی در سرزمین خوزستان است شایسته می‌آید که بخشی بسیار کوتاه از همان کتاب گزارش شود.

در بخش چهارم همان کتاب رویه‌ی ۶۷۶ آمده است:

«مختصری درباره‌ی تاریخ ایلام

تنها شواهد تاریخی که قبل از دوران تاریخی ماد و هخامنشی در ایران وجود دارد مربوط به ایلامیها است.

آثار و مدارک باستان‌شناسی شواهد ارزنده‌ی در این زمینه عرضه نموده و نشان می‌دهد که مملکت ما قبل از هزاره‌ی اول پیش از میلاد منحصرأ دوران تاریخی ایلام را

معرفی می‌نماید و فقط بندرت آثار دیگری که شامل تعداد معدودی کتیبه‌های مختلف به زبان آکادی و مربوط به ایلامیها نیست در سرزمین ایران به دست آمده است.

مدارک مربوط به تاریخ ایلام عموماً به زبانهای ایلامی و آکادی نوشته شده و در حفاریهای مختلف آشکار گردیده و اکثر آنها در پایتخت کشور ایلام یعنی تپه باستانی شوش به وسیله هیات فرانسوی که مدتی در حدود هشتاد سال است در بقایای این تپه‌ها حفاری می‌نمایند به دست آمده است. کتیبه‌ها و لوحه‌های باستانی که به زبان آکادی نوشته شده‌اند عموماً ترجمه گردیده و اطلاعات صریحتر در دسترس می‌گذارد و...»

در همان رویه آمده است:

«آثار لوحه‌های گلی که در حفاریهای مختلف به دست آمده نشان می‌دهد خطوط و علامات خاصی که امروزه به نام خطوط آغاز ایلامی مشهور شده‌اند در حفاری‌هایی مانند:

تپه سیلک کاشان، تپه یحیی، شهر سوخته و... به دست آمده است. این نکته بیانگر این مطلب است که ایران نیز از همان دورانی که بین‌النهرین دارای مرحله آغاز خط و ادبیات گردیده و از دورانی هم زمان با دوران (اوروک) یعنی اواسط هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد وارد آغاز ادبیات و خط گردیده است. علاوه بر این اکتشافات اخیر در چغامیش^۱

۱- چغامیش: درست این نام چگامشیا (چگا + مشیا) است. چگا: کوتاه شده‌ی چورگاه: (چور + گاه)،

چور: زیبا + گاه: جایگاه + مشیا: نام نخستین آفریده شده‌ی مرد و زن است که به آنها مشی و مشیانه

گفته می‌شده است. مشیا: مشی و مشیانه: نخستین آفریده شده‌ی زن و مرد.

الف) مشیا: نام روستایی، از شهرستان دماوند (به زبان بومیک مشا) ←

نمایان می‌سازد اینگونه فعالیتها مربوط به خطوط تصویری اولیه و بخصوص لوحه‌های مربوط به ضبط شمارش شاید قبل از بین‌النهرین در ایران وجود داشته است و...»

شایسته است که گفته شود در هنگام پژوهشهای میدانی در سرزمین ایرام پژوهشهایی دیگر به نام پژوهشهای مردم‌شناسی زبان و فرهنگ هم انجام گرفته است. پژوهشی گسترده که گستره‌ی آن تا بخشی از استان هرمزگان فراگیر بوده است. نیکوتر آن است که دستاورد آن پژوهش نیز در این کتاب آورده شود. تا گزارشهای داده شده در این کتاب اندکی با آگاهی گویشور پارسی زبان همسویی داشته باشد.

بخش دوم: مردم‌شناسی زبان و فرهنگ

در این بخش نیز، پژوهشی میدانی و گسترده انجام شد. شایسته بود که روشن می‌شد مردم ایران تا چه اندازه با فرهنگ و زبان خود آشنایی دارند. جای اندوه است که در این بخش، دستمایه‌یی نیکو به دست نیامد و گروه فراوان از گویشوران پارسی زبان، ژرف‌ساخت نام خود و نام زادگان خویش را هم نمی‌دانستند که این خود بزرگترین آسیب زبانی و فرهنگی نامیده می‌شود. شایسته آمد به چند بخش از این نارساییها پرداخته شود:

الف) گروهی فراوان از مردم ایران زمین هیچ گونه آگاهی از یافته‌های باستان‌شناسی نداشتند و چنین می‌نماید که به دانش باستان‌شناسی و یافته‌های باستان‌شناسی که **کلید شناخت** گذشته‌های دیرین این سرزمین است، بها داده نشده و هیچ کدام از یافته‌ها و دستاوردهای باستان‌شناسی، زمینه‌ی آموزش کشور نبوده و نیست و یافته‌ها و بُن‌سالتها که یادگاری از نیاکان مردم ایران زمین است در گنجخانه‌ها و در تاریکی مانده و کتابهای ارزشمندی باستان‌شناسان بی‌شناسایی و پشتیبانی به گردِ زمان سپرده شده است و چنان کمیاب و ناپیداست که انگار نوشته نشده است و رسانه‌ها هم نیم نگاهی به این بخش نداشته‌اند و ندارند!

ب) گویا سازمان باستان‌شناسی کشور نیز با هیچ کس سر آشتی و سازواری ندارد. بویژه با پژوهشگران میدانی که می‌توانند برای آن سازمان آگاهی رسان باشند. این خود می‌تواند بزرگترین آسیب فرهنگی باشد، زیرا دانشمندان و کاوشگران باستان‌شناس در بیابانها و تپه‌ها با کوشش فراوان، ماندaki را از دیرینه‌گاهها و یا دورانه‌های تاریک زمان، از زیر هزاران خروار خاک، بیرون می‌آورند. آری، این کاری آسان نیست، زیرا گاهی پیش می‌آید که برای هر بخش، دهها گودبرداری گمانه‌یی زده می‌شود و سپس کار از آن گودهای گمانه‌یی آغاز

می‌شود، به این امید که شاید ماندگی، سفالی شکسته یا درست یافته شود. اگر پیدا شد و یا پس از یافته شدن و آزمایشهای گوناگون آشکار می‌شود که آن بُنسال از چه روزگاری و از چه مردمی بوده است. پس از گردآوری و انبوه شدن و شناسایی شدن آن بنسالتها، نویسنده‌یی باستان‌شناس، دستاورد کارهای انجام شده را می‌نویسد. آن نوشته‌ها دیگر به گفته‌ی این و آن نیست. آنچه نوشته می‌شود دبیزه‌ی اُستوار دارد. با تکیه بر آن دبیزه‌های اُستوار که هم اکنون در بُنسالگاهها چشم‌نواز است، گزارش می‌شود که فرهنگ مردم ایران در آن زمان چگونه بوده است. درست مانند دستاوردهای هفت تپه‌ی خوزستان که پس از هشتاد سال کاوش و کوشش پیوار و به دست آوردن هزاران بنسال یا ماندک از پادشاهان و فرمانروایان و خدایان به دست آمده و نشانگر آن بوده است که در «ایرام»، مردم ایران زمین، دارای فرهنگ و شهرسانی نزدیک به ۵۰۰۰ سال پیش از هخامنشیان بوده‌اند و این دستاوردها و آن کته‌ها و کتیبه‌ها و سفالها را در بُنسالگاهها به نمایش گذاشته‌اند و اکنون نیز آن جاست. گنجینه‌یی بزرگ و پر بها! اما بی‌آوازه و خاموش! انگار هیچ رخدادی پیش نیامده، گویی تنها یک جابه‌جایی انجام شده و گنجینه‌هایی از زیر خاک بیرون آورده شده است و به گرد زمان و تاریکی سپرده شده باشد. چنین پنداشته می‌شود که انگار رسانه‌ها از آن کشور ایران نبوده و یا ایرانی نیستند و دستگاهها و سازمانها و نهادهای فرهنگی سرگرم دوختن فرهنگ ایران زمین به فرهنگ تازیان هستند که با شکست یزدگرد ساسانی در هزار و اندی سال پیش پیروزمند میدان بوده است. آری دستاوردهای باستان‌شناسی هفت تپه‌ی خوزستان که نشانه‌ی آغاز شهرسانی آدمیان در روی این زمین خاکی بوده و نشانگر فرهنگ مردم ایران زمین در نزدیک به ۷۰۰۰ سال و در سرزمین‌هایی ۱۰۰۰۰ سال پیش از هخامنشیان

بوده است، در خاموشی و فروتاری، از زیر زمین بیرون آمده و در روی زمین دوباره پنهان شده است. کوتاه سخن این که پژوهشهای مردم‌شناسی فرهنگ و زبان نیز با بُن بست رو به رو شد. زیرا آگاهی مردم در زمینه‌ی فرهنگ و زبانِ دیرینه یا نیاکان خود بسیار اندک بوده و هست؛ و این که چرا این گونه است؟ سخنی دیگر است که زمینه‌ی این کتاب نیست و باید ویژه‌کاران آگاه در این زمینه بگویند و بنویسند. سخن این است که باستان‌شناسان، دیرینگی فرهنگ سرزمین باستانی «ایرام» را با تکیه بر مانداکهای به دست آمده‌ی نزدیک به هفت هزار سال (پ.ت)^۱ گزارش کرده‌اند و بیشتر این مانداکها و کته‌ها و کتیبه‌ها و جنگ ابزارها و تندیسها از آن شاهان بوده است. شایسته است که نمایان شود، چه پادشاهانی در این سرزمین فرمان رانده‌اند؟

۱- پیش از ترسایی یا همان (پ.م) پیش از میلاد.

بخش سوم: نامهای پادشاهان کشور ایرام

نامهای پادشاهان و نامهای شاهزادگان شوش که از نزدیک به سه هزار سال (پ.م) تا ۱۴۴۰ (پ.م) در کشور ایرام فرمان می‌رانده‌اند.

گفتنی است که این نامهای کهن و باستانی یا نامهای پادشاهان و شاهزادگان که در کته‌ها و کتیبه‌ها و کنده‌گریهایی که بر سنگ نگاشته شده و یا در کاوشهای باستان‌شناسی، بویژه در هفت تپه‌ی خوزستان، به دست آمده است و هم‌اکنون این ماندگارها در بنسالگاهها نگهداری می‌شود، فراهم و گزارش شده از کتابهای زیر برداشت گردیده است:

- حفاری هفت تپه دشت خوزستان، دکتر عزت الله نگهبان.
- نقوش برجسته ایلامی، دکتر محمد رحیم صراف،
- فصل نامه‌های اثر و ماندگارهای دیگر باستان‌شناسی.

یکم: دودمان آوان

۱-۲-۳- سه پادشاه ناشناخته که تنها نامی از آن پادشاهان به جا مانده که پیش از ۲۹۰۰ (پ.م) در ایرام فرمانروا بوده‌اند.

۴- پلی (*peḷi*) / ۲۵۰۰ پ.م.

۵- تاتا (*tā-tā*) / ۲۵۰۰ پ.م.

۶- اکوتاهش (*ukutā-haš*) / ۲۵۰۰ پ.م.

۷- هیشور (*hiš-var*) / ۲۵۰۰ پ.م.

۸- شوشون تارانا (*šu-šun-tārānā*) / ۲۵۰۰ پ.م.